

جای کلمه

یدالله رویایی

کار زبانی در شاعران بیشتر کار پیراستن است و نه آراستن. یعنی کار حذف و هرس زبان است. و در این کار تلاش ما در عین حال اینست که جای جدید واژه‌ها را در مصرع بشناسیم. و جای جدید واژه‌ها را هم، پیش از همه، ساختمان هجایی آن‌ها به آن‌ها دیکته می‌کند، بیشتر از حرکت‌هاشان، و موقعیت‌ها و خصیصه‌های دیگرشان.

یعنی مشغله‌ی زبانی را در شعر دو چیز می‌سازد: حضور در مصرع، و حضور فیزیکی کلمات. اولی لنگر در عروض دارد و دومی در تربیت شاعر. اهلی‌های وحشی این یکی، ریشه‌های عمیق صنعت را در آن یکی از پا در می‌آورد. یعنی تربیت اهلی، سالی، و جویای تحسین به واژه‌ها همیشه جای جدیدشان را نمی‌دهد. همچنان که تربیت کوچه. به نظرم عروض شکسته‌ی نیمایی هم محصول تربیت وحشی او بود که به او داد.

پس همه‌ی آنچه بر زبان ما می‌گذرد، لزوماً مربوط به زبان نمی‌شود، و نه حتی آنچه در دهان ما می‌گذرد. خنده هم در دهان می‌گذرد اما هیچ خنده‌ای قهقهه‌اش را به زبان نمی‌دهد.